



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

گویاست که این حزب در تلاش سابقه دارش برای طرف رابطه شدن با ماموران جمهوری اسلامی، چه موقعیت نازلی برای خود قائل است. سیاست رهبران یک حزب سیاسی چقدر باید غرق افلاس باشد که بیست و چند سال پس از شکست اولین دور تلاشهایشان برای سازش با رژیم اسلامی (محتوای دو جلد کتاب حزب دمکرات بنام "تلاش در راه تفاهم" اسفند ۱۳۵۹) و در حالیکه طی این بیست و چند سال دو مورد با ترور رهبران و دهها مورد با ترور فعالینشان توسط دستگاههای اطلاعاتی رژیم روبرو شده اند، هنوز هر وقت هر کاربدست هر حزب مافیایی کردستان عراق دستشان را در دست یک فرستاده درجه چندم **صفحه ۲**

به نام مردم کردستان هرگز! (در باره تلاش حزب دمکرات کردستان ایران برای بند و بست با رژیم) به حزب دمکرات اجازه نمیدهیم با رژیم اسلامی ساخت و پاخت کند

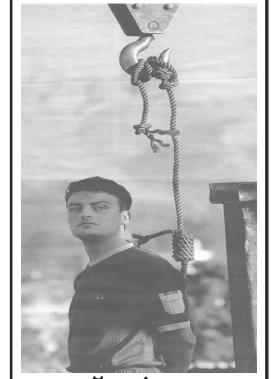
با رژیم اسلامی بار دیگر در بعضی رسانه ها طرح شده است. این بار مساله از منابع خبری ثالثی نظیر روزنامه الزمان "درز" نکرده است، دبیرکل این حزب راسا شایعه "مذاکره" را بمنظور تولید انبوه و تبدیل آن به خبر، در اختیار رسانه ها گذاشته است. طرح این موضوع از جانب بالاترین سطح رهبری حزب دمکرات، درحالیکه از زبان طرف مقابل، در هیچ سطحی، حرفی جاری نشده، به اندازه کافی



فاتح شیخ الاسلامی

موضوع تلاش حزب دمکرات کردستان ایران برای بندوبست

اعدام و سنگسار مردم را در مبارزه برای بزرگداشتن جمهوری اسلامی مرعوب نمیکنند



صفحه ۲

گرایش چپ، رادیکال و سوسیالیست جامعه ایران است. این حقیقت را بخشا مردم میروان در استقبال از عبدالله دارابی و همراهان او و اعتماد و امید بستن به حزب کمونیست کارگری در رقم زدن سرنوشت جامعه ایران در راستای یک جامعه آزاد، برابر و مرفه و خوشبخت در مقابل انظار عموم گرفتند. این یک ارزیابی عینی، **صفحه ۳**

در باره چند ارزیابی از سخنرانی عبدالله دارابی در شهر میروان

مناسبات و روابط مردم با احزاب اپوزیسیون از موقعیت منحصر به فردی برخوردار است. این روابط را هیچ حزب اپوزیسیون دیگر با مردم ندارد. و این فاکتور تعیین کننده در نقش و جایگاه آلترناتیوهای مختلف جمهوری اسلامی چه در دوره مبارزه برای سرنوشتی آن و چه بعد از آن است. حزب کمونیست کارگری نمایندگی

حضور عبدالله دارابی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در میان مردم شهر میروان و سخنرانی برای آنها، عکسالمعلاهای متفاوتی را موجب شد. یک ارزیابی از سوی مردم و همه آزادیخواهانی ارائه شد که در این حرکت، یک حزب منسجم پر قدرت و دارای اتوریته و نفوذ کلام وسیع را دیدند. حزبی را دیدند که در



ایرج فرزاد

سرمدیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گيرو: ۲-۶۷۸۴۷۱

سپاس و تشکر



صفحه ۳
سیزدهمین نشست کمیته کردستان حزب برگزار شد **صفحه ۴**
حمزه قادری بدست جلدان حکومت اسلامی اعدام شد **صفحه ۴**

آنچنان تهی و بی معنا می گردد که دیگر راه دیگری بغیر از نابودی خود نمی بینند. اما در جهنم جمهوری اسلامی مشکل فراتر از یک استیصال فردیست. در این سرزمین ۲۳ سال است با زنان بر طبق فرامین زن ستیزانه اسلامی رفتار میشود. حرمت زن به مثابه انسان نه تنها زیر سوال رفته بلکه در همه عرصه های زندگی زنان آپارتاید جنسی را به اجرا در آورده اند. سنگسار و اعدام، قطع دست و پا و تنبیه های قرون وسطایی همواره در طی این ۲۳ سال ابزار ننگین این رژیم علیه زنان و مردان بوده است. در ایران قوانین مربوط به خانواده، ازدواج و جدایی، اشتغال و آزادیهای فردی، **صفحه ۴**

چه کسی جنون دارد؟ سران جمهوری اسلامی یا قربانیان خودکشی؟

اختلافات خانوادگی دست به حلق آویز کردن خود و فرزندان دو و شش ساله اش زده است. بر طبق افاضات سرهنگ پرویز اکبری تحقیقات گسترده پلیس نشان داده که مادر خانواده عامل این جنایت بوده و در حالتی "جنون آمیز" دست به این عمل زده است. خودکشی راه حلی از سر استیصال و ضعف است که روزانه قربانیان زیادی از انسانها و در این میان از زنان می گیرد. فشار روحی ناشی از ناهنجاریهای زندگی باعث میشود که برای بخشی از انسانها، کل زندگی



هلاله طاهری

خبر تکان دهنده خودکشی مادری ۳۱ ساله به همراه دو فرزند خردسالش در هفته گذشته قلب مردم شهر مهاباد را لرزاند. گفته می شود که وی به دلایل

رادیو انترناسیونال

هر شب ۸ تا ۸ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران

از روز یکشنبه اول مهر (۲۳ سپتامبر) تا روز شنبه ۴ آبان (۲۶ اکتبر)

۳۱ متر برابر با ۹۹۴۰ کیلوهرتز
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه نیم ساعت به زبان کردی

◀◀ به نام مردم کردستان هرگز!

اطلاعات رژیم بگذازد سر از پا نمی شناسند و آب از لب و لوجه شان سرازیر می شود!

در نظر داشتن منافع مردم کردستان را هیچ انسان جدی دارای تجربه سیاسی از حزب دمکرات انتظار ندارد. اما در پی اینهمه رویداد تکان دهنده و اینهمه تحولات مهم جهانی و منطقه ای، آیا انتظار هم نباید داشت که سرانجام رهبران این حزب بفهمند که دوره دوره کنار آمدن با جمهوری اسلامی نیست؟ که وارد بندوبست شدن با جمهوری اسلامی در این شرایط به معنی رودررو قرار گرفتن فوری و تمام عیار با مردمی است که برای برچیدن بساطش پیا خاسته اند؟ که مردم کردستان به هیچ حزب و جریانی اجازه نخواهند داد بنام آنها با این رژیم کثیف در حال زوال وارد بندوبست شود؟

حس زمان عنصر فوق العاده مهم و حساسی در رهبری سیاسی است و اگر رهبری حزب دمکرات اینقدر با ضرورت زمان بیگانه است این فقط انعکاس بیگانگی اش با منافع مردم و سراسیمگی اش برای رسیدن به هر میزان کدخدائی در هر زمان و در پاداش هر درجه همکاری با هر دولت کوچک و بزرگ و ماندگار و در احتضار است. نظیر این بیگانگی با منافع مردم، این فقر سیاسی و این درجه از تناقض و افلاس را احزاب ناسیونالیست کردستان عراق در سال ۱۹۹۱، با رفتن به زیر پرچم بوش پدر و سپس با رویبوسی و دستبوسی صدام حسین، از خود نشان دادند و هنوز هم هر سال و هر ماه نشان می دهند.

"مذاکره" یا رابطه؟

در شرایطی که مردم کردستان همراه با مردم سراسر ایران دست اندر کار بزیر کشیدن رژیم اسلامی هستند، هرگونه بندوبست حزب دمکرات با رژیم اسلامی در جهت خلاف مبارزات آنهاست. آنچه بنا به گفته دبیرکل حزب دمکرات میان آنها و ماموران رژیم در جریان بوده و یا هست، نمی تواند هدفی جز تضعیف عزم و اراده مردم برای درهم شکستن ارکان حاکمیت اسلامی و حاصلی جز تداوم عمر پرنکبت رژیم داشته باشد. این مذاکره نیست. این رابطه گرفتن با رژیمی

است که مردم دارند سرنگونش می کنند. حزب دمکرات شمعک دیواری می شود که بدست مردم در حال فرو ریختن است.

در کردستان معضل سیاسی معینی بنام مساله کرد و ستم ملی وجود دارد که احزاب بورژوا ناسیونالیست به نام "حل" آن همیشه بدنبال کنار آمدن با رژیم مرکزی از طریق "مذاکره" بوده اند. اینکه در هر مقطع معین مردم کردستان علاوه بر رفع تبعیض و ستم و سرکوب بر مبنای ملی، چه مشکلات دیگری با رژیم حاکم دارند و در پی چه خواستهها و مطالبات دیگری هستند، ابتدا بر این سنت بورژوا ناسیونالیستی و بر استراتژی احزاب آن برای سهم گرفتن از قدرت تأثیری ندارد. چراکه آنها در صف مقابل مردم، در صف مقابل نیازها و خواستههای توده وسیع مردم قرار دارند. حتی حل مساله ملی مساله شان نیست، برعکس، از وجود مساله ملی بعنوان وسیله رسیدن به قدرت محلی بهره برداری می کنند. حزب دمکرات عادتاً هر تماسی با هر فرستاده ای از اطلاعات رژیم را "مذاکره" نامگذاری می کند تا بر اساس این سنت ناسیونالیستی به آن رنگ مشروعیت بزند. همینجا بگویم که از زمستان ۱۳۵۸ که نشست اول و آخر هیات ویژه دولت جمهوری اسلامی با هیات نمایندگی خلق کرد در مهلباد نیمه کاره رها شد تا کنون جمهوری اسلامی هیچگاه در ارتباط با حل مساله کرد با هیچ جریان سیاسی در کردستان وارد مذاکره نشده است. البته همان موقع و همچنین طی سالهای بعد، حزب دمکرات تقریباً همیشه با جمهوری اسلامی تماس و رابطه پنهانی مستقیم و غیرمستقیم داشته است. شناخته شده ترین این تماس ها در اطریش و با وساطت اتحادیه میهنی کردستان صورت گرفت که طی آن قاسملو توسط ماموران رژیم ترور شد. حزب دمکرات هیچوقت محتوای این روابط پنهانی را علنی نکرده است. حتی زمانی هم که در هیات نمایندگی عضو بود و بنا به تعریف به موازین آن متعهد بود، خود را در برابر مردم مسئول و موظف به اعلام علنی روابط پشت پرده اش با جمهوری اسلامی نمی دانست. موضوع اخیر هم از این روال خارج نیست. آنچه دبیرکل حزب دمکرات اعلام کرده، یک تماس

دیگر آن حزب با ماموران رژیم اسلامی است. یک رابطه گرفتن پنهانی حزب دمکرات با دستگاههای اطلاعاتی جمهوری اسلامی است، که معمولاً هر از گاهی با واسطه گری احزاب حاکم در کردستان عراق صورت می گیرد. با استفاده از کلمه "مذاکره"، حزب دمکرات می خواهد از بالای سر مردم کردستان با رژیم اسلامی وارد بندوبست های دیگری بشود.

اهداف حزب دمکرات چیست؟

رهبری حزب دمکرات هیچوقت فراتر از نوک بینی هدف خود یعنی رسیدن به سهمی از قدرت محلی را ندیده است. امروز هم همین هدف را از پراکندن این شایعه تعقیب می کند:

۱- حزب دمکرات دارد به جمهوری اسلامی اعلام آمادگی می کند که حاضر است "روز خود" در ازای سهمی از قدرت، به مردم کردستان پشت پا بزند. این "روز خود"، موقعی است که پروسه فروپاشی جمهوری اسلامی در تهران عملاً شروع شده باشد. در چنان شرایطی اگر به فرض، شروع این پروسه تا پایان آن در تهران زمان معینی ببرد، همه می دانند که در کردستان پروسه فروپاشی رژیم اسلامی خیلی سریع خواهد بود. ابزارهای سلطه رژیم در کردستان با دخالت مستقیم مردم و جریانات سیاسی موجود فوراً در هم پیچیده خواهد شد. به این ترتیب اختلاف فاز زمانی معینی ممکن و قابل تصور است. حزب دمکرات به جمهوری اسلامی می گوید که از اختلاف فاز زمانی معینی ممکن و قابل تصور است. حزب دمکرات به جمهوری اسلامی می گوید که از بقایای آن، تلاش کند مانع افتادن قدرت به دست مردم و به دست کمونیسم کارگری بشود. این بسادگی یک خیال خام است.

۲- حزب دمکرات همچنین می خواهد وانمود کند که طرف اصلی "مذاکره" اوست. کدخدای منطقه اوست. پشت این ادعا هدفی فراتر از مذاکره نهفته است. حزب دمکرات نظیر احزاب حاکم در کردستان عراق الگوی حاکمیت حزبی را برای آینده سیاسی کردستان مد نظر دارد. از نظر این احزاب، انتخابات و پارلمان و مجلس و غیره، عروسک های خیمه شب بازی هستند و پیشیزی ارزش ندارند جز اینکه ابزار "مشروعیت" دادن به حاکمیت حزبی آنها بشوند. در الگوی حاکمیت حزب دمکرات، مردم نقشی ندارند. "آداره امور" از طریق توافقات، و البته یک در میان از طریق قلدری و زدو خورد و جنگ احزاب پیش برده میشود. حکمت اطلاق نام "کومله" توسط حزب دمکرات به

باند زحمتکشان اینست که از آنها، که امروز به وردستی حزب دمکرات افتخار می کنند و فردا به کدخدائی "حامیان" هم راضی خواهند شد، بعنوان ابزاری برای پیشبرد الگوی حاکمیت حزبی مورد نظر خود یا به تعبیر دیگر "آداره امور" در غیاب حاکمیت مرکزی و تا بازگشت مجدد آن، استفاده کند. تجربه پارلمان کردستان عراق که پس از ده سال موجودیت مسخره، این روزها مجدداً راه اندازی می شود و گویا مثل موارد دیگر سنت "گردایعتی" از عمر و عزت و حقانیت ابدی (نهمرا) برخوردار است، سالها سمبل پوچی الگوی حاکمیت حزبی - عشیره ای ناسیونالیسم کرد و بیربطی آن به مردم بوده است. این الگو چه در تجربه مستقیم مردم از حزب دمکرات و چه در تجربه دوازده سال حاکمیت احزاب کردایعتی در کردستان عراق، ضدیت خود با منافع و حاکمیت مردم را به روشنی نشان داده است، حزب دمکرات شانس برای تحمیل آن به آینده سیاسی کردستان نخواهد داشت.

در خاتمه

چه در ارتباط با مقوله "مذاکره" و چه در پروسه تعیین تکلیف نوع حاکمیت مطلوب مردم کردستان در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، حزب دمکرات نماینده مردم کردستان نیست. پایگاه اجتماعی حزب دمکرات را اقلیت محلودی از جامعه کردستان تشکیل میدهد، بخشی از سرمایه داران و صاحبان ثروت که طی دو دهه اخیر معمولاً بین این حزب و رژیم در آمد و شد بوده اند. اکثریت عظیم مردم کردستان با حزب دمکرات و افق و سیاست آن ربطی ندارند و البته طی سالیان زیرویالای سیاستهای حزب دمکرات را تجربه کرده اند. به خوبی می شناسندش. تجربه هیات نمایندگی و پشت پا زدن حزب دمکرات به آن و تجربه "حاکمیت" این حزب در حافظه مردم زنده است.

اوضاع اجتماعی و سیاسی در کردستان ایران و به تبع آن آرایش نیروها و جریانات سیاسی و احزاب دستخوش تحولات عمیق و مهمی شده است که حزب دمکرات بعید است و در اکثر موارد بسیار بعید است که قادر به درک آن باشد. اما خارج از دنیای ذهنی حزب دمکرات، نیروهای اجتماعی و سیاسی حاضر در جامعه امروز کردستان، مهر خودشان را بر اوضاع

اعدام و سنگسار مردم را

در مبارزه برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی مرعوب نمیکنند

پهن کردن بساط توحش اسلامی اعدام و سنگسار این روزها دوباره در دستور سران جنایتکار اسلامی قرار گرفته است. حمزه قادری و خالد شوقی را روز ۱۵ مهر ماه در رضائیه اعدام کردند. یک هفته قبل از آن جهان شاهد نمایش شنیع اعدام ۵ جوان در ملا عام بود. قادر مخمل زندانی در شهر مهلباد حکم اعدام گرفته است و در نقده پیکر دو نفر را که در زندان جمهوری اسلامی بسر برد بودند در مراسم شنیع سنگسار با پرتاب سنگ توسط مزدوران رژیم غرق در خون کردند. جنایتکاران رژیم اعلام کرده اند که ۹ نفر دیگر را در لیست خود برای اعدام دارند. در نقده باز هم خبر و شایعه سنگسار شخصی بنام بدالله را پخش کرده اند.

سرتاپای جمهوری اسلامی را تب و لرز سقوط و فروپاشی فراگرفته است. رژیم جانوران اسلامی به همان حربهای که طی این بیست و چند سال حاکمیت سیاهش را بر مردم ایران تحمیل کرده است، یعنی اعدام، سنگسار و ایجاد فضای رعب و وحشت دوباره روی آورده است. اما این مار زخمی را دیگر نمیتوان زنده نگاه داشت، اوضاع بشدت متحول شده است و مردم بعد از بیش از دو دهه حاکمیت یک منشت جنایتکار اسلامی تصمیم گرفته اند آنان را بزیر بکشند. مردم عاملین و آمران تمام جنایات، دارودستههای حکام شرع و دادگاههای اسلامی و

◀◀

اعدام و سنگسار...

فرماندهان این بساط قتل و کشتار را بنام میهنشناسند: خامنه‌ای، خاتمی، رفسنجانی و شاهرودی و همه سران سپاه پاسداران و بسیج و گلهای حزب‌الله و تمام کسانی که در راس ارگانهای مختلف حکومت نشستند. خودشان هیچ شرمی ندارند که بعنوان جنایتکاران یک رژیم فاشیست اسلامی شناخته شوند، تصمیم گرفته‌اند تا آخرین لحظات مرگ، رژیمشان اوراق هویت و نشان رژیم نسل کشی و قتل و شکنجه و سنگسار را با خود حمل کنند.

سران جنایتکار رژیم اسلامی در تکاپوی بقا، به قتل و کشتار و اعدام و سنگسار روی آورده‌اند، امیدوی واهی دارند تا به این طریق بتوانند در جامعه ترس و وحشت و رعب ایجاد کنند تا مردم را از تصمیم برای بزرگ‌کشی کل رژیم اسلامی به عقب برانند. اما دیگر دیر شده است و بسیار هم دیر شده است، جمهوری اسلامی باید برود و در برابر مردمی که عزم کرده‌اند خود را از شر حکومت یک مشت جنایتکار اسلامی و تعدادی آخوند مرتجع و باندهای قمه کش آنها خلاص کنند راهی جز تسلیم و تن دادن به شکست ندارد.

اما سران جنایتکار اسلامی تصمیم گرفته اند رژیم را که با جنایات و نسل کشی سر پا نگاه داشتند در آخرین لحظات مرگ نیز به همان شیوه ادامه دهند. بنیانگذاران حکومت کثیف اسلام سیاسی، تصمیم گرفته‌اند پرنده جنایات خود را قطور و قطورتر کنند.

راه فراری ندارند، گوش اینها را خواهیم گرفت و پای میز محاکمه خواهیم نشاند. سران ریز و درشت رژیم را از این سرنوشت گریزی نیست، صحنه محاکمه این جانان علیه بشریت برای آن مشتت از شیفتگان "دمکراتیزه" کردن اسلام سیاسی که تا آخرین لحظات در کنار کثیفترین رژیمهای مذهبی دوران معاصر قرار گرفتند، نیز جالب و تماشایی خواهد بود.

ایرج فرزاد

سپاس و تشکر

در رابطه با حضور من در شهر مریوان و دیدار و ملاقات با مردم و ایراد سخنرانی در سیزدهم سپتامبر ۲۰۰۲، تعداد زیادی چه از شهر مریوان و دیگر شهرهای ایران و چه از کشورهای مختلف با ارسال پیام و نامه و فاکس و ای میل و یا از طریق تماس تلفنی و نیز حضورا در جمع‌هایی که به همین منظور بر پا شده بود، به من و همراهان تبریک گفته اند.

بدینوسیله من از طرف خود و رفقای دست اندر کار این حرکت سیاسی، از

کلیه این دوستان عزیز، صمیمانه تشکر میکنم.

میدانم که تعداد به مراتب وسیعتری از انسانهای آزادیخواه چه در ایران و چه در خارج کشور وجود دارند که با این حرکت حزب کمونیست کارگری قوت قلب گرفتند و دیدند که یک حزب پیشرو، انقلابی و کمونیست در بطن بحران لاعلاجی که جمهوری اسلامی به آن دچار شده است، دورنمای روشن و امید بخش یک آلترناتیو انسانی، و بنای یک جامعه آزاد و برابر و مرفه را در مقابل جامعه گرفته است. این پیامهای تبریک و

در باره چند ارزیابی...

مشکلی نیست، مجاهدین هم بارها در تهران حضور داشتند، از رهبری کومله کسانی گفتند خود آنها تا مناطق "عمقی" تر رفتند، ولی نخواستند "هیاو" راه بیاندازند و مثل حزب کمونیست کارگری برای "مطح کردن" خود عمل کند! سازمان زحمتکشان که طی دو سال اعلام موجودیت خود مدام امید به مطرح بودن در حاشیه رژیم اسلامی را با طرح فدرالی قومی در میان اعضای باند خود در درون چادرهای جوار مقر "مام جلال" در بوق کرده بودند، ابتدا حضور عبدالله دارابی را انکار کردند و گفتند حزب کمونیست کارگری فقط در خارج کشور است و در "منطقه" نیستند! "منطقه" اسم رمز اینها برای جاخوش کردن در حاشیه بندبازیه و دیپلوماسی همیشگی جلال طالبانی در شکافهای دول ایران و عراق و ترکیه و دوست جدید او دولت آمریکا و طفره رفتن از انزوی واقعی اینها از مردم کردستان ایران و بیگانگی طرحهای ارتجاعی فدارلیسم قومی و پاکسازیهای قومی با منافع مردم است. سازمان زحمتکشان همانطور که صالح سرداری هم گفته است با حضور عبدالله دارابی در میان مردم مریوان پوچ بودن سناریو سپاه فدرالیسم قومی خود و پدرخواندهای خود را دیدند و به راستی بر خود لرزیدند. یکی از اعضای کمیته مرکزی کومله فعلی نیز مثل همیشه خود را به بی خبری زد، و در مصاحبه‌ای با یک رادیو محلی در سوئد خود را چنین تسکین دادند که آنها تا مناطق "عمقی" تر کردستان ایران هم رفته بودند ولی "سروصدا" راه نیاندختند. بسیار خوب، ممکن است یکبار هم که شده است بگویند در کدامین

همستگی فقط بخش بسیار کوچکی از آن عزم و اراده میلیونها مردمی را منعکس میکند که امید به یک دنیای بهتر و پاسخ به فراخوان رفیق عزیزمان منصور حکمت در کنگره سوم حزب را نمایندگی میکنند. من مطمئنم که با ادامه این حمایتها و نمایش جلوه‌های به مراتب وسیعتر و با شکوه تری که مردم مریوان گوشای از آثرا در جریان سخنرانی من و استقبال از من و همراهان نمایش دادند، مبارزه برای بزرگ‌کشی جمهوری اسلامی و بنای یک جامعه شاد و آزاد و برابر برای همه شهروندان بطور برگشت ناپذیر و تا

گوشه "عمق" کردستان ایران و چه زمانی حضور داشتند؟ حضور علنی در میان مردم یک شهر و ایراد سخنرانی رفتن به "عمق" به حساب نمی آید و در مقابل حضور مخفی، اعلام نشده و نامعلوم در روستائی میتوان لقب رفتن به "عمق" بگیرد؟ مگر معیارها متری و از روی طول و عرض خاک و دوری و نزدیکی به مرز است یا دسترسی به توده مردم آنها در شهرها؟ بعلاوه ممکن است رهبری کومله یکبار هم که شده به مردم بگوید کدام عوامل مانع بودند تا آن حضور در "عمق" را اعلام کنند؟ آیا استقبالی صورت نگرفته است و یا بخشنامه و قرارداد و تعهدی به جلال طالبانی در جریان است که طبق مفاد آن، رهبری کومله متعهد شده‌است برای "دوستان دیرین" آقای جلال طالبانی در سر ایجاد نکنند؟ چرا این وفاداری به منافع و مصالح و قول و قرارهای جلال طالبانی با مقامات وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و قرارگاه رمضان را بعنوان "احساس مسئولیت" در باره زندگی مردم کردستان عراق بخورد مردم میدهند؟ آخر دوستان عزیز! اگر این توجیحات بتواند به دایر کردن بساط اتحادیه میهنی اطمینانی بدهد، نمیتوانید این استدلال، و اجازه بدهید بگویم عوامفریبی آشکار، را به مردم کردستان ایران که شاهد عینی بند و بستهای دارودسته‌های ناسیونالیست کردستان عراق با جمهوری اسلامی اند، بفروشید. مردم از سر منافع احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق و مشخصا اتحادیه میهنی و شخص جلال طالبانی، کل ماهیت سازمان زحمتکشان است. سعی کنید حد فاصلی بین خود و این جریان رسماً دست ساز و قوم پرست را نگاه دارید، این به نفعتان هم

پیروزی ادامه خواهد یافت. بار دیگر از مردم شهر مریوان و از همه آن عزیزانی که به من و همراهان و به حزب کمونیست کارگری ایران ابراز محبت کرده‌اند صمیمانه تشکر میکنم
به امید تحقق یک دنیای بهتر
مرگ بر جمهوری اسلامی
پروتان باد همبستگی و پیوند
توده‌های مردم با حزب
کمونیست کارگری
زنده باد منصور حکمت
پیروز باشید
عبدالله دارابی
۹ اکتبر ۲۰۰۲

هست. باور کنید اذعان به واقعیت حزب کمونیست کارگری و نفوذ وسیع آن در میان مردم کردستان برای شما تا زمانی که بخواهید چه بمانید و در صف آزادیخواهی قرار داشته باشید، مفید است. ما میمانیم و جریانات قومی و فدرالیست چی و بندبازان سیاسی در شکافهای منطقه رفتنی‌اند. این را از من بشنوید که جبران انکار حقیقت نفوذ و قدرت اجتماعی و معنوی حزب کمونیست کارگری و رهبران پرنفوذ آن در میان مردم، شما را بیش از این به حاشیه پرتاب خواهد کرد. خود را به بی خبری زدن و دل مشغولی به حفظ "تشکیلات" به هر قیمت، حتی به قیمت انکار حقایق آشکار عاقبت کاردستان خواهد داد.

دست کم گرفتن شعور و آگاهی مردم حداقل از جریانی که مدعی است به کمونیسم علاقتی دارد قدری دور از انتظار است. دیپلومات بازی و نان به نرخ روز خوردن را به همان جریانات ناسیونالیست واگذار کنید. راستش من دیگر توقع ندارم که رهبری کومله خود را در کنار حزب کمونیست کارگری ببیند، اما همانطور که قبلاً هم نوشته بودم، امیدم را به اتخاذ یک سیاست شجاعانه، غیر ماشاات جویانه و چپ در صفوف کومله از دست ندادم. چنین به نظر میرسد که رهبری کومله کماکان به تعبیر: "انشالله گریه است" بیشتر چسبیده است. آیا صفوف کومله سیاست انتظار و صبر را در پیش میگیرند و روشن شدن سرنوشت سیاسی خود را به دست حوادث سپرده‌اند؟ باید دید. □

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

Centre for the Defense of Women's Rights in Kurdistan
ناوه ندى دىفاع له مافى ژنان له كوردستان

مرگ بر رژیم سنگسار!

حکومتی‌اش بیش از پیش در معرض اعتراضات هر روزه مردم قرار می‌گیرد. دیگر زمان آن بسر رسیده که با ایجاد رعب و وحشت و آن هم در شکل بربریت مطلق آن مردم را به خانه‌هایشان باز گردانند. جمهوری اسلامی مرگ خود را مسجل دیده و این آخرین دست و پا زدن‌ها هم آنها را نجات نخواهد داد.

مردم آزادیخواه تقه!

باید جرات تکرار این جنایات از این جانیان گرفته شود! جمهوری اسلامی با همه قوانین اسلامی‌اش باید برچیده شود! این حکمیست که همه مردم به جان آمده از توحش آنان طی ۲۳ سال داده‌اند. با اعتراضات متشکل خود بساط جمهوری اسلامی را برچیده و مسببان کشتار و قتل‌عام مردم را به محاکمه بکشائید!

هلاله طاهری

مسئول کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان

حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی یک بار دیگر فاجعه آفرید!

روزهای سوم و چهارم مهر ماه سال ۱۳۸۱ مردم شهر نقده شاهد فجیع‌ترین نمود بربریت قرون وسطایی گردید. گلی نیجگو و سید یونس اسعدی دو قربانی توحش جمهوری اسلامی در هفته گذشته سنگسار شدند. مردم شهر نقده تنفر و بی‌زاری خود را در اشکال گوناگون به مامورین انتظامی که مشغول پرتاب سنگ بسوی گلی نیجگو و سید یونس اسعدی بودند، بروز داشتند.

زنان قربانیان اصلی قوانین اسلامی در طی ۲۳ سال گذشته بوده و رژیم جمهوری اسلامی همواره برای هراساندن جامعه دست به خشن‌ترین اشکال تعدی به ابتدایی‌ترین حقوق انسانی زنان پرداخته است. اما جمهوری اسلامی زمانی دست به این جنایات می‌زند که بنیادهای

در مبحث فعالیت حزب در شهرها ضمن اشاره به نقش فعال تشکیلات شهرها در فضای سیاسی جامعه، جهت‌گیریها اقدامات روشنی جهت گسترش وسیعتر تشکیلات و شبکه‌های حزب در شهرها و سوق دادن تشکیلات شهرها به ایفای نقش موثر و هدایت‌کننده در اعتراضات سرنوشت ساز آیندوره در دستور قرار گرفت.

در بخش پایانی نشست، ابتدا رحمان حسین زاده به عنوان دبیر کمیته کردستان، سپس اسد نودینیان به عنوان خزانه‌دار به اتفاق آراء اعضای حاضر کمیته کردستان انتخاب شدند. همچنین برای تعیین بقیه اعضای هیئت اجرایی انتخابات به عمل آمد. به این ترتیب، هیئت اجرایی ۱۳ نفره‌ای متشکل از ۱- عبدالله دارابی ۲- حسین مرادیبیگی ۳- فاتح شیخ ۴- ایرج فرزاد ۵- هلاله طاهری ۶- خالد حاج محمدی ۷- مجید حسینی ۸- محمد فتاحی ۹- صالح سرداری ۱۰- مظفر محمدی ۱۱- محمد آسنگران ۱۲- رحمان حسین زاده ۱۳- اسد نودینیان انتخاب شدند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

هیجدهم مهر ۱۳۸۱
(۱۰ اکتبر ۲۰۰۲)

نشست کمیته کردستان با سخنرانی کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ادامه پیدا کرد. وی در سخنان خود به محورهای مهمی از وظایف حزب در کردستان اشاره کرد و همچنین اشاره نمود حضور عبدالله دارابی در شهر مریوان واقعه مهمی در روند مبارزات مردم در سراسر ایران است و ابعاد آن مطلقاً به کردستان محدود نیست.

در موضوع بعدی گزارش فعالیت کمیته کردستان در دوره گذشته توسط دبیر کمیته و مسئولین عرصه‌ها ارائه شد و حاضرین حول گزارش سئوالات و ملاحظات خود را طرح کردند. در مبحث "مولفهای جدید اوضاع سیاسی و نقشه عمل کار دوره‌آتی" رحمان حسین زاده به فاکتورهای جدید اوضاع سیاسی ایران و منطقه و بازتاب آن در کردستان اشاره کرد و با تاکید بر احتمال وقوع شرایط متفاوت در کردستان، پلاتفرم کار منطبق با دوره کنونی را طرح کرد.

در دستور جلسه وضعیت مالی کمیته کردستان، طرحها و راه‌حلهایی جهت امکان‌سازی مالی بسیار وسیعتر جهت جوابگویی به نیازهای فعالیتی گسترش یافته حزب در کردستان بررسی شد.

سیزدهمین نشست کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد.

در روزهای شنبه و یکشنبه (سیزدهم و چهاردهم مهر ۱۳۸۱) سیزدهمین نشست کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری با حضور بیش از ۶۰ نفر از اعضای کمیته کردستان و مهمانان و ناظرین برگزار شد. نشست با سرود انترناسیونال و یکدقیقه سکوت به یاد منصور حکمت عزیز رسمیت یافت. سپس هیئت رئیسه و آیین‌نامه برگزاری نشست تعیین شد. ابتدا در صحبتی کوتاه رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب به اهمیت حضور علنی عبدالله دارابی در اجتماع مردم شهر مریوان اشاره کرد و تاکید کرد، اسم گذاری این حرکت مهم به نام "منصور حکمت" فراتر از ابراز محبت و علاقه عمیق ما به منصور حکمت، تعلق ما به آموزشهای منصور حکمت است که با اتکا به آن و با سبک و سنت جدید توانستیم این حرکت مهم را سازمان دهیم. رحمان حسین زاده با تقدیم دستمای گل به عبدالله دارابی از جانب حزب و کمیته کردستان و حاضرین در جلسه از ابتکار مهم حضور وی در شهر مریوان قدردانی نمود.

Co-ordinator: Halale Taheri Address:KFKS c/o
halale_taheri@yahoo.com CDWK
Box 15 203
Tel: 0046 73 616 22 11 104 65 Stockholm-
Fax: 0046 83 99 734 Sweden

اعتراض و مبارزات گسترده مردم رویرویییم. امروزه رژیم از هر زمان دیگری در سقوط و سراسیمبست. بحران عمیق حکومتی‌اش را حتی خودشان می‌دانند. مردم از همیشه بیشتر به کلیت رژیم نه می‌گویند. لحظه به لحظه حرکات و فرامینشان اسباب مسخره مردم و بویژه جوانان گردیده‌است. رژیم با ادامه هر عمل جنون‌آمیز و وحشیانه علیه مردم تنها روز مرگ خود را نزدیک و نزدیکتر می‌کند. وقت آن رسیده که این رژیم را برچید. زنگ یک تعرض همه جانبه برای بیزیر کشیدن حکومت یک مشت جنایتکار اسلامی و برای رسیدن به یک دنیای شایسته انسانها و یک دنیای بهتر برای همه کودکانمان به صدا در آمده است. متحد شوید و به صفوف ما در حزب کمونیست کارگری ایران برای برپایی یک دنیای بهتر بیبندید!

خودسوزی از این جهنم رفتناند. برآستی چه کسی جنون آفریده و جنون وار قربانی می‌گیرد؟ مسبب واقعی کیست؟ عامل جنایت هفته گذشته و صدها هزار جنایت دیگر، یکی از دیگری دلخراشتر، چه کسی بجز این جانیان زمانه ماست؟

مادر و دو فرزند مذکور قربانیان بی‌دفاع جهنم دست‌ساز ایناند. فقر و فشار مالی، بی‌حقوقی در خانواده، بی‌حرمتی و توهین هر روزه به نام و به جرم زن بودن، دخالت در زندگی جنسی و کنترل غیر انسانی روابط و آزادیهای جنسی، جواب شکمهای گرسنه فرزندان را دادن و یا ندادن، بدوش کشیدن هر لحظه عقب‌مانده‌ترین فرهنگهای زنیستیزانه خودی و ملی سالهاست بر زنان و مادرانی از نوع قربانی امروز تحمیل گردیده است. با وجود این بربریت آشکار چند ساله رژیم علیه بشریت اما با

حمزه قادری بدست جلادان حکومت اسلامی اعدام شد

روز دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۱ (۷ اکتبر ۲۰۰۲) حمزه قادری اهل سردشت که بیش از ۵ سال است به جرم فعالیت با حزب دمکرات زندانی رژیم است اعدام شد. روز سهشنبه ۱۶ مهر (۸ اکتبر) مرکز اطلاعات رژیم به خانواده حمزه قادری اطلاع داد که او اعدام شده و خانواده اش میتوانند جنازه او را در مه‌آباد تحویل بگیرند. زمانی که خانواده حمزه و نزدیکانش برای گرفتن جسد او به مراجع دولتی در مه‌آباد مراجعه میکنند به آنان گفته میشود که حمزه در رضائیه اعدام شده است و باید جنازه‌اش را در رضائیه تحویل بگیرند. بدنبال این ماجرا عده ای از بستگاه حمزه به طرف رضائیه حرکت کردند تا جنازه را در سردشت تحویل بگیرند.

اوضاع شهر سردشت روز سه شنبه عادی نبود. مردم از این عمل وحشیانه خشمگین و تا دیروقت در خیابان و بازار شهر مانده و منتظر برگرداندن جنازه حمزه قادری بودند. جوانان تا دریافت این خبر همچنان در بازار هستند. اعدام حمزه قادری که در مه‌آباد زندانی بود بدنبال شورش زندان مه‌آباد و اعتراضات مردم سردشت و مه‌آباد صورت گرفته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن جنایت حکومت اسلامی، به خانواده و بستگان حمزه قادری صمیمانه تسلیت میگوید. کمیته کردستان حزب مردم مبارز سردشت و مه‌آباد و همه مردم آزادیخواه را فرا میخواند تا به این جنایت رژیم اسلامی اعتراض کنند. دیگر هیچکس جلو سرنوشتی حکومت اسلامی را نمیتواند بگیرد و سران این حکومت با این اعمال جنایتکارانه فقط پرورنده خود را در دادگاههای مردمی سنگین تر میکنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهر ۱۳۸۱ - ۸ اکتبر ۲۰۰۲

چه کسی جنون دارد؟

حق فرزندان، تامین اجتماعی، امنیت و حرمت انسانی چه در خانواده و چه در جامعه، همه و همه بر طبق شرح اسلام پایه‌گذاری شده است. جمهوری اسلامی ۲۳ سال است که بطورجنون‌آمیزی به حقوق و حرمت زنان تجاوز کرده است. حال